

# تجربه آزمون تافل

بیتا مهری

تهیه شده برای گروه تافل هلدینگ پرگار

<http://pargar.group>



PargarWiki



PargarTOEFL

## خلاصه وضعیت:

تاریخ آزمون	نمره ریدینگ	نمره لیسنینگ	نمره اسپیکینگ	نمره رایتینگ	نمره کل	تعداد لغات تسک ۱ رایتینگ	تعداد لغات تسک ۲ رایتینگ
Sep 06, 2020	30	29	30	27	116	حدود 350	حدود 470

## تجربه ستنر:

من از ستنری که امتحان دادم کاملا راضی بودم، ۱۰ روز قبلش یه آزمون آزمایشی همونجا رفتم دادم که با شرایط آشنا بشم. ستنر خوب و تمیزی بود. گفتن ۱ ساعت و نیم قبل از شروع امتحان اونجا باشیم. من نفر سوم بودم که رفتم داخل. اول که وارد میشدیم با تب سنج دمای بدن را اندازه می گرفتند و دست ها را باید ضد عفونی می کردیم، شمارمون را از روی جدول خوندم و به همراه کارت ملی و یه مدرک شناسایی دارای اعتبار دیگه رفتیم به پذیرش ( من پاسپورت برده بودم). بعد یه فرم بهمون دادند و فرستادنمون به قسمت بوفه توی طبقه پایین که اونجا تمام وسایلمون را تحویل بدیم و فرم را پر کنیم و منتظر باشیم صدامون بزنند. هیچ چیزی حتی آب، مداد، تراش یا دستمال نمیشد داخل جلسه ببریم. من حتی چند تا دستمال توی جیبم بود که موقع check in گفتند جیبامو خالی کنم و اونارو هم تحویل گرفتند. یکی یکی فرستادنمون برای check in، تایید هویت که شدیم ازمون عکس گرفتند و بعد راهنمایمون کردند به سمت سالن امتحان. ۸ نفری که اول اومده بودن که منم جزوشون بودم امتحانمون را ۵،۰ ساعت زودتر شروع کردیم. من طبقه ۵ افتادم که خیلی عالی بود هر کس یه میز داشت که طرفینش بسته بود و حواس آدم پرت نمیشد. صندلی های فوق العاده راحتی داشت، مانیتور نسبتا بزرگ بود و کیبورد نه خیلی تخت بود نه خیلی برجسته. به خاطر کرونا بچه ها یکی در میون نشستند سر میز ها و روی هر میز دو تا مداد فابریکستل مشکی (خودکار نبود) و سه ورق A4 سبز رنگ بود (اول ترسیدم که ممکنه نت هامو سر اسپیک نتونم درست بخونم اما خیلی اهمیتی نداره واقعا). توی ده دقیقه استراحت اجباری حتما باید خارج میشدیم از اتاق و به بوفه توی زیرزمین برمیگشتیم. برای هر نفر یک آبمیوه و کیک گذاشته بودند. اگر خودتون هم خوراکی آورده باشید مسئول بوفه تحویل میگیره و توی تایم استراحت میتونین اون ها رو میل کنید. در کل من واقعا راضی بودم.

## پیشینه زبان:

من زبان را از کلاس پنجم دبستان شروع کردم توی یه موسسه در اصفهان به نام داریوی یا DPT. تا سال کنکورم کلاس می رفتم اونجا، خیلی حالت ترمیک و مرحله به مرحله نداشت ولی معلم خوب بلد بود با هر کس چطوری کار کنه، مخصوصا لهجه ام حاصل تلاش همین معلم هست. توی سال کنکور دیگه کلاس نرفتم و خودم خوندم، رشته اصلیم ریاضی بود ولی تفتنی رفتم کنکور زبان شرکت کردم و سال ۹۱ رشته زبان رتبه ۳ کشور و ۲ منطقه شدم. توی هر دو کنکور زبان و ریاضی زبان عمومی ام را ۱۰۰ درصد زدم. توی همون رشته ریاضی انتخاب رشته کردم و رفتم دانشگاه و دیگه کلاس زبان نرفتم. دو سال بعد کنکور

توی همون موسسه که درس میخوندم شروع به تدریس کردم و به واسطه همون خودم هم مطالعه داشتم ولی دیگه کلاسی نرفتم. میتونم بگم وقتی برای تافل شروع کردم زبانم واقعا خوب بود. چون همیشه یه جوری با زبان در ارتباط بودم و بعضی وقتا توی خونه با داداشم انگلیسی صحبت میکردم. سریال *How I Met Your Mother* و ویدئوهای *Ted x* هم خیلی تاثیر توی لیسنینگ و اسپیکینگ داشت برام. خیلی وقتا که فیلم میدیدم برای خودم توی دلم یه سری جمله های قشنگشو تکرار میکردم که بعد فهمیدم همون شدویینگ هست.

### مقدار ساعت و الگوی مطالعه هفتگی:

من از اواسط تیر ماه به فکر اپلای افتادم و تا قبل از اون میخواستم به روش اکسپرس اینتری برای کانادا اقدام کنم. اما من و همسریم یهو تصمیمون عوض شد و چون فرصتم کم بود و باید امتحان GRE هم شرکت کنم سریعا شروع کردم. اول یه نمونه تست کامل از سایت ETS گرفتم و شروع کردم به زدم که بفهمم کلا تافل از چه قراره. حدودا ۱۰ روز الی ۱۴ روز هر چی تونستم ویدیو توی YouTube تماشا کردم (Write to top و TST PREP ، TOEFL resources ، Note full)، همچنین وویس های خانوم الهه را گوش کردم تا با ساختار رایتینگ آشنا بشم. از فریناز جون مشورت گرفتم و خلاصه هر چی میتونستم منبع جمع کردم. بعد از آن به مدت ۲-۳ هفته هر روز هر تایمی که میشد یه ریدینگ و لیسنینگ پشت سر هم میزدم (از توی سایت زبان اگزم، چون منطبق با فرمت جدید بود) و سعی میکردم دو تا ست اسپیکینگ بگم و یه ست رایتینگ هم بنویسم. توی این مدت تقریبا ۴-۵ ساعت مطالعه داشتم ولی بینش کلیپ های آموزشی تافل از این طرف و اون طرف میدیدم و توی ممرایز کلمه میخوندم. ۳ هفته مونده به امتحان دیگه هر روز صبح یه ست کامل امتحانی از صبح تا ظهر میدادم و عصر ها ۴-۵ تا ست اسپیک کار میکردم و شب ها هم یکی دو تا ست رایتینگ مینوشتم. این اواخر روزی ۶-۷ ساعت میخوندم.

### تجربه شرکت در کلاس های زبان:

من چند جلسه با استاد ایمان باقری که توی مشهد هستند کلاس آنلاین گرفتم چون توی رایتینگ خیلی مشکل داشتم. توی اون جلسات بیشتر رایتینگ کار کردیم اما یه مقداری هم روی اسپیک مانور دادند و روبریک ها رو برام توضیح دادند و رایت و اسپیک هام را برام تصحیح میکردند. خلاصه من راضی بودم چون خیلی هم بهم روحیه و اعتماد به نفس دادند و چندین بار استراتژی رایتینگ و اسپیکینگم را عوض کردم تا بالاخره درست شد.

### تجربه شرکت در آزمون های آزمایشی:

تاریخ آزمون	نمره ریدینگ	نمره لیسنینگ	نمره اسپیکینگ	نمره رایتینگ	نمره کل	سنتر
۶ شهریور	۲۶	۲۵	۲۸	۲۷	۱۰۶	سنتری که امتحان اصلیم را دادم
۲۵ مرداد	۲۸	۲۷	۲۲	۲۵	۱۰۲	تافل ۳

من دو تا آزمون آزمایشی ثبت نام کردم و فکر میکنم تعدادش دقیقا همون چیزی بود که لازم بود. چون اولیش صرفا جهت آشنایی با شرایط آزمون هستش و آدم خیلی هول میشه و خیلی چیزایی که فکرشو نمیکرده براش پیش میاد مثلا من توی امتحان تافل ۳ که دادم توی قسمت اسپیکینگ وقتی دیدم ده نفر با هم شروع به حرف زدن کردند یهو هنگ کردم و زبونم قفل کرد! تازه از بس شنیده بودم نباید بلند صحبت کرد انقدر آروم حرف زدم که خودم صدای خودمو نشنیدم. کلا تافل ۳ خیلی مشابه به آزمون اصلی بود امتحانش ولی حوزه و شرایط امتحانش نه. مثلا توی آزمون اصلی اتاق بزرگتره و تعداد بچه ها کمتره و همچنین هدست های اصلی که خود ETS میده برای آزمون اصلی خیلی بهتره و کل گوش را میگیره و کمتر صدا میاد از بیرون. آزمون آزمایشی که توی سنتر اصلیم دادم مکان امتحان و راحتیش خیلی بهتر بود اما همونطور که من متوجه شدم آزمون از سری آزمونهای Josh McPherson بود ( صداش کاملا توی خواندن صورت سوالها و بخش های اسپیکینگ قابل تشخیص بود) و من حس کردم ریدینگ و لیسنینگ اون آزمون کمی غیر استاندارد بود. مثلا سوالات سامری همه گزینه ها درست بود! خیلی به هم نزدیک بود و مثلا سه تا گزینه minor داشت. لیسنینگ هم از اون خیلی طولانیها که خیلی تخصصی میشد ۲ تا داشت. به هر حال تافل اصلی راحت تر بود.

### منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای لغت:

من بزرگترین نقطه ضعفم این بود که خیلی دایره لغاتم قوی نبود و همیشه سر این مسئله استرس داشتم. هیچ وقت هیچ کتاب لغت را درست نخونده بودم. کورس ۱۲۱۲ ممرايز را دانلود کردم اما حدود ۵۰۰ تاش را تونستم بخونم. معمولا توی ریدینگ هم اگر غلط داشتم حتما یکی از اونها تست لغت بود. اما توی ریدینگ TPO ها هر لغتی که میرسیدم و میفهمیدم مهمه و جوابش را بلد نبودم، سریع بالای برگه ام مینوشتم و بعد آزمون توی یه دفتر وارد میکردم تا بعدا مرور کنم.

### منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای گرامر:

به طور کلی مطالعه خاصی برای گرامر نداشتم چون خوب بود گرامرم. تنها کاری که کردم اینورژن ها رو سرچ کردم و تمام مواردش را توی یه دفتر یادداشت کردم. همچنین یه جزوه گرامر هم از کانال speaking & writing خانم مبینا و الهه برداشتم و مرورش کردم و هر چی بلد نبودم را مطالعه کردم.

### منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای ریدینگ:

برای ریدینگ من مطالعه خاصی غیر از زدن تی پی او ها نداشتم. ژنتی را اسمش را شنیدم اما اصلا نفرفتم بینم چی هست. ریدینگ را من از سایت زبان اکزم میزدم چون فرمتش مطابق امتحان هست. اما بعدش موقع تحلیل توی نرم افزار TPO میرفتم سوالای لغت که توی ورژن زبان اکزم حذف شده بود را هم میزدم و یه بار از اول تا آخر سوالا رو مرور میکردم چون یادم بود کدام را با شک زدم و کدام را مطمئن بودم. موقع آزمون دادن معمولا در اتاقم را باز میذاشتم تا صداهای بیرون بیاد توی اتاق و در کمال ناباوری هر دفعه که ریدینگم را ۳۰ زدم صداهای بیرون خیلی زیاد بود. حس میکنم اینطوری آدم به خودش تلقین

میکنه که اگر میخوای خوب بزنی باید تمام تلاشتو بکنی که تمرکز کنی. اول ها ریدینگ را وقت اضافه نمی آوردم اما به مرور حدود ۳-۴ دقیقه وقت اضافه آوردم. سر امتحان هم حدودا ۷ دقیقه اضافه داشتم که برگشتم تمام سوالات را مرور کردم.

شیوه پاسخگویییم به سوالات اینطوری بود که موضوع را میخوندم اگه میفهمیدم چی میگه که هیچی، اگر متوجه نمیشدم حدود یه خط از متن ریدینگ را میخوندم وقتی میفهمیدم قضیه از چه قراره اسکرول میکردم و سریع میرفتم سراغ سوال ها. ابتدا صورت سوال را میخوندم ( بعضی وقت ها ۲ بار) و یه کلمه که توش کلیدی بود را با خودم تکرار میکردم و میرفتم سراغ خوندن پاراگراف. کاری نداشتم به جواب رسیدم یا نه، من تا انتهای پاراگراف را میخوندم اما خود به خود وقتی به اون کلمه کلیدی میرسیدم بیشتر دقت میکردم. میرفتم سراغ گزینه ها و میخوندمشون اگه جواب ضایع بود میزد. خیلی وقتا میرفتم دوباره اون قسمت پاراگراف را میخوندم و دوباره برمیگشتم به گزینه ها. همیشه یه ورق کاغذ جلوم بود که وقتی حس میکردم سوال را نمیتونم یه راست جواب بدم ( حالا یا گزینه طولانی بود یا شک داشتم) سریع همچنین چیزی مینوشتیم ( مثلا سوال ۳ بود) :

### 3) A B C D

گزینه ها رو یکی یکی میخوندم. همیشه دو تاش حذف میشه و من روی اون ها خط میکشیدم و دو تا میمونه. اونایی که میمون (مخصوصا توی سوال Highlight sentence) حتما یکیشون اون چیزی که توی متن گفته را خیلی خوشگل پارافریز کرده و دقیقا چند تا کلمه را synonym آورده توی گزینه ازش، به احتمال ۹۰ درصد جواب همونه. (مخصوصا قید ها خیلی کمک کننده هستند، مثلا توی متن گفته virtually ، توی گزینه نوشته Almost). توی گزینه غلط خیلی وقتا یه لغت اکستریم هست مثل only ، everyone ، always و ..... یه چیز دیگه این که من هر دفعه سوالی را نزده گذاشتم به ضرر تموم شده و یاد گرفتم حتی اگه شک دارم یه گزینه را بزنم. توی تایم اضافه ام اون سوالایی که روی برگه نوشته بودم دوره میکردم. برای تایمینگ حدودا هر ۵ دقیقه چک میکردم که حتما سه سوال را جواب داده باشم اما بعضی وقتا اولش که شروع میکردم و هنوز گرم نبودم عقب میفتم اما بعد سرعتم بالا میرفت. مهم اینه که با توجه به این قانون ۵ دقیقه ۳ سوال حواستون باشه که خیلی روی یه سوال نمونین که وقتتون از دست بره. بعضی اوقات که میدیدم وقت کمه اصلا بدون اینکه جمله ای از متن بخونم یه راست میرفتم سراغ سوالا که بازم مشکلی پیش نمیومد.

مهم اینه که اگر پاراگرافی ازش سوال نیومده حتما اون را قبل از شروع سوال بعدی بخونین. چون خیلی وقتا برای فهم پاراگراف بعدی مهمه و توی سوالات سامری کمک میکنه چون من اوایل که نمیخوندم اون تیکه ها رو همش فکر میکردم یه گزینه ای که تو سامری بی ربط هستش تو همون تیکه ای اومده که من نخوندم و هیچ وقت با اطمینان نمیتونستم جواب بدم. اما بعد که استراتژییم را عوض کردم همه متن را قبل از سوالات سامری یک بار خونده بودم خیلی راحت تر جواب میدادم.

به هر حال برای هر مدل سوال یه استراتژی داشتم که واقعا در اینجا نمیگنجه همه رو بگم اما در خدمت دوستان هستم اگر سوالی داشتند.

## منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای لیسنینگ:

من کلا لیسنینگم خوب بود چون خیلی آهنگ انگلیسی گوش میدادم و حفظ میکردم از وقتی دبیرستانی بودم. فیلم زبان اصلی هم خیلی میدیدم ولی خب لیسنینگ تافل سختی های خودش رو داره و خیلی چالشی بود برام. اوایل حدود ۲۲-۲۳ میزدم لیسنینگ را اما سوالات را که بررسی میکردم فهمیدم انقدر نت بر میدارم که واقعا یه سری جاها را نمیشنوم. نت هام را حدودا به نصف کاهش دادم و بلافاصله به ۲۶-۲۷ رسیدم. کلا به طور متوسط بین ۲۶ تا ۳۰ نوسان داشتم حتی تا روزای آخر.

توی کانورسیشن ها حدودا ۳ خط بیشتر نت برنمیداشتم ولی برای لکچر ها حدود ۷-۸ خط البته به صورت کلمه کلمه. هیچ وقت جرات نکردم بدون نت پیش برم چون همیشه نت هام یه اطمینانی بود برام که اگر چیزی یادم رفت میتونستم بهشون نگاه کنم. بعد از ۱۰-۱۵ تا لیسنینگ زدن دیگه کامل دستم اومده بود کدام قسمت های سوال قراره ازش سوال بیاد و میدونستم سوال ها چیه بنابراین یه سری جاهای لیسنینگ که میرسید یا کلمه های خاصی را که میشنیدم انگار گوشام تیز میشد چون میدونستم اون بخش جواب یه سوال هست. به طور مثال توی کانورسیشن ها همش منتظر بودم بشنوم چرا دانشجو رفته استاد را ببینه یا اگر اسم یه نفر خاص را میاورد مثلا از دوستش صحبت میکرد یادداشت میکردم که دلیل نام بردن از اون نفر چی بوده. توی لکچر ها سوال اول شنیدنی نیست و استنباط آدم هست از کل صحبت استاد سر کلاس ولی من چون با بولت پوینت یا شماره نت بر میداشتم بعدا میتونستم با یه نگاه سریع بفهمم چه نکات مهمی توی لکچر توضیح داده شده بود. وقتی لحن استاد یهو خودمونی میشد یا عوض میشد یا یه چیزی که خیلی توش یه احساسی پررنگ بود و درسی نبود میفهمیدم دقیقا از این جا میخواد بپرسه که **why does the professor say this** و تا همچنین چیزی میشنیدم خوب دقت میکردم که بعدش چی میگه. وقتی استاد نظر شخصی خودش را راجع به موضوع میگه یا اونجایی که آخر لکچر جمع بندی میکنه خیلی مهمه. وقتی یه مثال خاص میاره اونجا حتما سوال میاد ازش. وقتی خودش میگه دقت کنید یعنی میخواد یه مکانیزم یا چرخه ای چیزی توضیح بده که از اون سوالات جایگذاری ازش میاد. شما هم مرحله به مرحله توی خطوط جدا نت بردارید. وقتی خودش میگه دو تا المان یا دو دلیل هست یا میگه **first** و **second** همون سوالایی هستش که باید دو تا علامت بزنیم. خلاصه که به معنای واقعی باید **Active listener** باشید و بدونید دنبال چی میگردید.

راستش سر امتحان دقیقا متوجه شدم کدام سوال را اشتباه زدم اما همون لحظه ای متوجه شدم که روی **next** کلیک کردم و واقعا حیف شد.

## منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای اسپیکینگ:

من به طور کلی چون تدریس میکردم زیاد از صحبت کردن انگلیسی فاصله نگرفته بودم، از طرفی لهجه ام خیلی خوب بود چون در تقلید کردن خیلی خوب بودم و توی فیلم ها و آهنگ ها هر چی میشنیدم را عین خودش تکرار میکردم و از بچگی معلمم توی کلاس با کتاب های **chatterbox** همین تکنیک شدویینگ را کار میکرد که فکر میکنم خیلی توی لهجه ام تاثیرگذار بود. اما جدای از این ها واقعا اسپیکینگ برام چالشی بود چون نمیتونستم توی تایم بگم و خیلی زیاد میگفتم، هی عه عه میگفتم،



توی تسک ۱ هم خیلی برام سخت بود دو تا دلیل بیارم. اوایل اینطوری تمرین می کردم که هر تسک را انقدر میگفتم تا خوب بشه خیلی وقتا ها ۵-۶ بار، کم کم برای خودم یه تمپلیت برای شروع هر تسک درآوردم. همینطوری تمرین میکردم و به خیال خودم خیلی خوب بودم تا وقتی که رفتم آزمون آزمایشی تافل ۳ و وقتی سر اسپیکینگ ۱۰ نفر توی اون اتاق شروع کردند به حرف زدن یهو شوکه شدم و اصلا نتونستم تمرکز کنم و انقدر آروم حرف زدم و استرس داشتم که فک کنم مصحح چیزی از حرفام نشنید و اسپیک شدم ۲۲. بعد از اون به توصیه استاد باقری شروع کردم به خطی تمرین کردن، البته گفتند برای اول باید همون طور هی بگی تا خوب بشه تسک اما وقتی دستت اومد دیگه مدل امتحان تمرین کن. خطی یعنی که تسک ۱-۲-۳-۴ را بدون تکرار با همون زمان آماده سازی امتحان، چه خوب و چه بد میشد باید پشت سر هم میگفتم که بفهمم هر کدام را که خراب کردم نه فرصت تکراری هست نه فرصت غصه خوردن چون تسک بعدی بدون وقفه شروع میشه. همچنین وقتی میخواستیم ست اسپیک را شروع کنم یه دیسترکتر برای خودم میگذاشتم، مثلا توی کانال My Voice که وویس های مبینا جون هست پلی میکردم با صدای بلند و میگذاشتم یه متر اونطرف تر و بعد خودم ست را شروع میکردم. اوایل انقدر اعصابم خورد میشد و سرم درد میگرفت که مبخوام گوشیم را پرت کنم اونطرف اما آروم آروم یاد گرفتم تمرکز کنم و برام مهم نباشه دورم چی میگذره و واقعا چیزی که منو از ۲۲ به ۳۰ رسوند همین نکته بود.

من برای خودم توی تلگرام یه چنل پرایوت زده بودم و صدامو ضبط میکردم میفرستادم اونجا، بعدا گوش میدادم که بفهمم مشکلم کجاست، به نظرم این کار را همه باید انجام بدهند و خودشون را تصحیح کنند.

برای کات آف نشدن هم سعی کردم توی نت هام چیزایی که گوینده به چند روش تکرار میکنه یا اونجاهایی که داره داستان میبافه را اصلا یادداشت نکنم که وسوسه نشم بگم چون واقعا مهم نیستند. مهم اینه که آدم بتونه اصل موضوعی که توی ۲-۳ دقیقه گفته شده را به بهترین شکل توی ۱ دقیقه خلاصه کنه. برای اینکه بد خط نشم هم فقط فعل ها و کلمات مهم متن را مینوشتیم و اصلا حروف اضافه را مینوشتیم. با بولت پوینت و خط تیره و رفتن به سطر بعدی قسمتهای مختلف نت را از هم جدا میکردم.

توی تایم پریپرشن هم شروع میکردم به صحبت انگار واقعا شروع شده تایمم. بعد دوباره تا تایم شروع میشد انگار گرم شده بودم و همونا رو تکرار میکردم.

چند تا ویدیو حدود ۱ ساعتی نوتفول داره توی یوتیوب مطابق با فرمت جدید اسپیکینگ که به نظر من خیلی عالیه.

برای تسک ۱ هم دوست داشتم بیشتر تمرین میکردم اما فرصت نشد، ۴۰-۵۰ تا از ۳۵۰ تای اعلائی را کار کردم و ۶-۷ صفحه از فایل GBE و خیلی میترسیدم که نتونم سر جلسه دلیل بیارم اما خب خدا روشکر هم دلیل تونستم بیارم هم مثال. کلا سر جلسه آدم عملکردش ۲۰-۳۰ درصد حداقل بهتر از تمرین هست. هرچند من سر اسپیکینگ اصلیم انقدر استرس داشتم که پاهام شروع کرد به لرزیدن ولی بازم به نظر خودم بهتر از همیشه گفتم چون همه چیز را کامل تونستم توضیح بدم و کات آف هم نشدم.

توی پیوست چند نمونه از ست های اسپیکینگم را فرستادم. اون هایی که صدام آروم هستش اون تمرین آخریام هستش که هم دیسترکتر داشتم و هم خودم سعی میکردم یواش بگم که مثل امتحان بشه و تپق و اینا هم داره چون دفعه اولم هست همش.

اونهایی که صدام رساتر هستش را بدون دیسترکتر گفتم و بعضیاش چون به صورت خطی نبوده و یکی یکی میگفتمشون و خیالم راحت تر بوده را شاید بهتر گفته باشم.

اما میدونم توی امتحان همینطوری گفتم البته شاید صدام از استرس میلرزید یه کمی چون پاهام که روی ویبره بود دی:

### منابع مورد مطالعه و شیوه مطالعه برای رایتینگ:

من از اول مشکل اصلیم رایتینگ بود چون تا حالا چیزی ننوشته بودم و هیچ وقت خوب نمینوشتم حتی توی مدرسه انشاهامو پدرم مینوشت (: برای تسک ۱ اولیل کاری که کردم ویدیوهای مگوش را که توی گروه speaking & writing توی تلگرام گذاشته بودند را کامل نگاه کردم و نت برداری کردم و تقریباً تمپلیت تسک ۱ رایتم را با کمک این ویدیو ها نوشتم البته بعداً کمی modify اش کردم و بیشتر از صحبت های پروفیسور مینوشتم تا متن. تسک ۱ رایت کلاً به نظر من راحت ترین قسمت تافل هستش چون همه چیزش روتین هستش. من برای خودم توی یه برگه کلمات جایگزین "پروفیسور" و "متن" و فعل های مربوط به هر کدام که توی این تسک بار ها لازم میشد را نوشتم و برای خودم یه تمپلیت درست کردم که هر پاراگراف را با ساختار خاصی و متفاوت نسبت به پاراگراف قبلی جلو ببرم و به همون تمپلیت پایبند بودم و باعث شد سرعتم خیلی افزایش پیدا کنه.

- First	- For one
- Second	- besides that
- Finally	- And Finally

  

Article	Lecture	positve	Suggest	refute
passage	Listening	claim	disagree	
text	the professor	mention	Counter	
reading	the speaker	Contend	Oppose	
the Author	the lecturer	introduce	doubt	
the writer	the talk	Say	Cast doubt on	
		States	talk / to be against	
		discuss	dispute	
		believe	take issues with	
		provide / offer	believe to be	mistaken
		reasons of support	refute	
		Set sth out	oppose	
		point out		
		argue		

برای تسک ۲ همه ی ویدیو های write to top رو تماشا کردم و خیلی مفید بودند اما بعدش جزوه های idea bank

آدام را پرینت گرفتم که یه خورده خوندنم واقعا به دردم نخورد و انداختمش اونطرف، مثل این بود که دیکشنری را باز کنی و



بخونی. سمپل هاش را هم نپسندیدم چون گیجم میکرد و با چیزی که همه مینوشتند فرق داشت. بعد وویس های مبینا و الهه را از کانالشون گرفتم و کامل گوش دادم و یادداشت برداشتم و دیگه شروع کردم به نوشتن اما اول ها حدود ۵۰-۵۵ دقیقه طول میکشید. کار مهمی که کردم بعد از نوشتن ۱۰ تا رایت برای خودم یه دفتر برداشتم و مثل جدول خط کشی کردم و کلماتی که خیلی استفاده میکردم را توی اون یادداشت کردم زیر اونها ۶-۷ تا synonym هایی که میتونستم جایگزینش کنم را از سایت Thesaurus.com گرفتم چون همش مشکل داشتم که وقتی سر اینکه کلمه تکراری استفاده نکنم تلف میشد مثلا اینطوری :

	thrive grow Poster	excel
do	develop	therefore
accomplish	enhance	thereby
carry out	improve = cultivate	so
develop	make progress	hence
fulfill	advance	thus
achieve	flourish	
	promote	
right	definitely	satisfied
appropriate	for sure/surely	happy
fitting	doubtlessly	fulfilled
acceptable	absolutely	contented
desirable	undeniably	convinced
favorable	unmistakably	quenched
proper	without question	appeared
satisfactory	no ifs and buts about it	pleased
	unquestionably	
Motive	consequently	debate
stimulus	eventually	argument
inducement	therefore	confrontation
incentive	thereby	conflict
impetus		
inspiration		
mainspring		

من دایره لغت خیلی قوی ای نداشتم و وقتی که نمونه سمپل های نمره بالا رو خوندم واقعا ناامید شدم چون واقعا در اون حد نمیتونستم حرفه ای بنویسم، گرامر خیلی قوی بود اما ووکب نه، اولش سعی کردم تقلید کنم ولی بعد که با استاد باقری مشورت کردم بهم سمپل [truthfulness](#) که به عنوان نمره کامل خود ETS توی سایتش گذاشته رو نشونم دادند (پیشنهاد میکنم حتما بخونیدش حتی چند بار) و در کمال ناباوری با اون استاندارد که توی سمپل ها دیده بودم از زمین تا آسمون فرق داشت و فهمیدم آدم مجبور نیست حتما فرمت خاصی را بره جلو تا نمره خوب بگیره در درجه اول مهمه که روان و بی غلط و مرتبط

بنویسه، برای استفاده نکردن از اینورژن یا **not only ... but also** و این چیزا از کسی نمره کم نمیکنند. هرچند اگه این ها توی جای درست خودش به کار بره و الکی چپونده نشه توی متن میتونه نکته مثبت محسوب بشه اما اگه به زور استفاده بشه در حالی که ۴ تا جا S سوم شخص گذاشته نشده یا مثلا زمان جمله ها به هم نمیخوره شاید حتی برعکس عمل کنه، چون یکنواختی متن را از بین میبره.

من یه مشکل خیلی بزرگ که داشتم پانکچویشن و غلط املائی بود که تا روز آخرم درست نشد که نشد و هر بار حدودا ۱۵-۲۰ تا غلط املائی و علامتگذاری توی متنم داشتم و چون به ریوایز نمی رسیدم نتونستم درستش کنم. توی امتحان اصلی هم همینطور بود، همچنین یکی از مثال هام را نتونستم به سر منزل مقصود برسونم، و علاوه بر اون توی تسک ۱ هم برخلاف همیشه چند تا تیکه لیسنینگ را میس کردم ( اصلا سابقه نداشت همچین چیزی) و در مجموع ۲۷ شدم. اما نه **inversion** به کار بردم نه **reduction** نه **not only , but also** و نه **the more the better**. ولی چیزی که مطمئن بودم این بود که کاملا مرتبط نوشتم و دو تا ریزن مجزا با مثال اسپسیفیک آوردم و لغت مرتبط با موضوع زیاد استفاده کردم.

در مورد زمان هم من خیلی مشکل داشتم و اوایل توی کمتر از ۵۰ دقیقه نمیتونستم بنویسم اما به مرور زمان تونستم درستش کنم. اگه بخوام کاری که اوایل میکردم را مقایسه کنم با آخرین رایتینگهام باید اینجوری بگم:

مقدمه: اول ها مقدمه ام را مثل نمونه سмпل ها مینوشتم که نزدیک ۱۰۰ تا ۱۲۰ کلمه فقط مقدمه مینوشتم و همون طور که همه میدونند مقدمه تنها لازمه که یه دید کلی راجع به موضوع بده و **thesis statement** را شامل بشه و همین کافیه و بنابراین مقدمه ام را به ۵۰-۷۰ کلمه رسوندم و تونستم بادی پاراگرافهای کامل تری بنویسم.

بادی پاراگراف ها : اوایل این قسمت را خیلی کش میدادم و فرصت نمیکردم مثال بزنم همش فکر میکردم انقدر باید بسط بدم دلیلیم را که حتما به یه هدف غایی مثلا موفقیت در زندگی برسم اما بعدش فهمیدم اینطور نیست و فقط باید بگم دلیلی که آوردم چرا خوبه یا چطور میتونه به مسئله موجود کمک کنه پس به توصیه استادم مدلم را عوض کردم. یه **topic sentence** مختصر و مفید می نوشتم که کاملا ازش میشد مربوط بودن به صورت سوال را استخراج کرد (رجوع کنید به وویس الهه). دولوپ بعدش هم فقط به سوال **why** یا **how** جواب میدادم. بعدش یه مثال میزد که اگه مثال خاص باشه و شخصی نباشه خیلی بهتره ولی حالا اگه مثال خاص به ذهن کسی نرسید مسئله ای نیست. اگر ته پاراگراف موضوع همون پاراگراف را بتونید **wrap up** کنید خیلی عالی میشه که من توی یکی از پاراگراف های امتحانم وقت شد اما دومی نه.

پاراگراف **concession**: من خیلی سرعت بالایی نداشتم که بتونم زیاد بنویسم اما توی بعضی موضوعات که شانس حرف برای گفتن زیاد داشتم و حدود ۶۰۰ تا کلمه مینوشتم استادم توصیه میکرد به جای اینکه دو تا پاراگراف چاق در اثبات نظرم بگم، اگر وقت دارم یه پاراگراف کوچیک قضیه را از اون طرف هم بررسی کنم اما کم رنگ تر باشه نسبت به دلایل خودم و گفتند که این خیلی میتونه به نمره بالا گرفتن کمک کنه.

کانکلوژن : این قسمت را هم همیشه کوتاه در حد ۳ خط مینوشتم و به دو تا دلیل اشاره میکردم.

من برای سمپل خوندن بیشتر نمونه های تافل ریسورسز را میخوندم و فکر میکنم اونها از همه نظر منطقی هستند و میشه با اون مدلی نوشتن نمره کامل گرفت.

- یه جزوه کالوکیشن بود که من خیلی ازش استفاده کردم و واقعا مفید بود و من از توی تجربه های بچه ها پیداش کردم، دست نویسنده اش که آقای میلاد بودند درد نکنه خیلی به درد من خورد. بعد که خوندم متوجه شدم کالوکیشن های استفاده شده توی سمپل های همین تافل ریسورسز بودن که توی این جزوه جمع شده بودند. به نظرم بخونیدشون.
- یه کتاب ۱۰۰۰ کالوکیشن هم بود که من تقریبا یک سومش را مطالعه کردم اونم خیلی خوب بود، توی ماشین هم که میرفتم به جای آهنگ فایل های صوتی همین کتاب را گوش میدادم. که خیلی به اکتیو شدن یه سری کلمات توی ذهنم هم برای تسک ۱ اسپیک و هم تسک ۲ رایتینگ بهم کمک کرد.

من هم توی آزمون آزمایشی هام و هم امتحان اصلی (نمیدونم به دلیل استرس یا تمرکز بیشتر بود یا چیز دیگه) خیلی سرعتم بیشتر از توی تمریناتم بود و رسیدم تمام کنم با اینکه یه کم از موضوع متن شوکه شدم و ۵ دقیقه داشتم فکر میکردم چی بنویسم! تنها چیزی که هیچ وقت نتونستم انجام بدم ریوایز بود که مطمئنم حداقل ۲ نمره از رایتینگ را به خاطر همین از دست دادم. واقعا اگر میتونین کمتر بنویسید ولی ریوایز کنید، مهم نیست چقدر مینویسید، مهم اینه درست بنویسید.

### سایر موارد:

ببخشید اگه طولانی شد، من خودم خیلی تجربه خوندم و از هر کدام کلی چیز یاد گرفتم برای همین گفتم شاید هر قسمتی که توضیح میدم گره از کار یه نفر باز کنه.

### جمع بندی:

به طور کلی امتحان اصلی راحت تر از آزمونهایی هست که تو خونه میدیم، هم خود آدم بهتر عمل میکنه و هم واقعا ما با این منابع خودمون را برای سخت ترین ها آماده کردیم. پس خیلی نگران نباشید.

### تشکر:

از همسر و خانواده ام که توی این دو ماه با من همکاری کردند استاد باقری که بهم خیلی روحیه و انرژی دادند و توی فهم اصل امتحان و تصحیح راست و اسپیک هام کمک کردند، فریناز عزیز که هر لحظه از شبانه روز باهاش کار داشتم به حرفام گوش میکرد و راهنمایی میکرد، الهه و مبینا که دورادور از کمکهاشون استفاده کردم و تمام کسانی که زحمت گردآوری و به اشتراک گذاری منابعی که مطالعه کردم را کشیده بودند واقعا سپاسگزارم. از گروه پرگار هم خیلی متشکرم که بستری درست کرد که این همه آدم با هدف مشترک دور هم جمع بشن و به هم کمک کنند، واقعا این همکاری بچه های ایرانی با هم که با جون و دل به بقیه کمک میکردن برای من خیلی با ارزش بود.

امیدوارم همه موفق باشید و با کسب نمره های عالی به اون چیزی که میخواهید برسید.